

تشهیر در سیاست جنایی اسلام در قبال جرائم اقتصادی

مریم لطیفی بنماران^۱، اسدالله پاکیان^۲

صفحه ۲۶-۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳

چکیده

تشهیر یکی از انواع مجازات های تعزیری است که به اعتقاد قاطبه ی فقها مجازات اصلی جرم شهادت زور است و از نظر مشهور فقها در مورد قاذف، قوآد، کلاهبردار و مفلس هم اجرا می شود. در مورد فلسفه، موارد و کیفیت اجرای تشهیر بین فقها اختلاف نظرهایی موجود است. در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، تشهیر به عنوان یکی از تغزیرات به رسمیت شناخته شده است، و قانون آیین دادرسی کیفری هم در ماده ۳۵۳ موارد اجرای آن را مشخص نموده است. امروزه دو سؤال مهم در این زمینه مطرح می شود: نخست این که آیا می توان مجازات تشهیر را غیر از جرایم ذکر شده در نصوص فقهی، با استفاده از وحدت ملاک و تنقیح مناط برای جرایم دیگر از جمله جرایم نوظهور نیز استفاده نمود؟ و دوم این که با وجود گسترش جوامع و پیشرفت تکنولوژی و ظهور رسانه های جمعی از قبیل تلویزیون، روزنامه، اینترنت و... آیا هنوز هم باید مجازات تشهیر به شکل پیشین خود و با اطافه ی مجرم در محافل مردم صورت گیرد یا می توان از این رسانه ها برای تشهیر مجرم استفاده نمود؟ این مقاله براساس روش تحلیلی توصیفی، متعاقب بررسی و موضوع شناسی تشهیر در فقه و بیان موارد، فلسفه و کیفیت اجرای تشهیر، بیان دیدگاه فقه های عظام و جایگاه تشهیر در نظام حقوقی ایران و مواد قانونی در این زمینه، تلاش کرده است به پرسشهای فوق پاسخ دهد.

کلید واژه ها: تشهیر، کیفر تشهیر، جرائم اقتصادی، جنایت سیاسی.

^۱ طلبه سطح سه حوزه علمیه گیلان

^۲ دکترای علوم سیاسی دانشگاه آزاد شهرضا

مفهوم شناسی

تشهیر در لغت

تشهیر مصدری از باب تفعیل و از ریشه ی « شهر » است ، که اهل لغت معانی مختلفی برای آن ذکر کرده اند.

برخی آن را به معنای « ذکر کردن و شناساندن » (۱) و برخی آن را به معنای « ظاهر نمودن » آورده اند (۲) برخی دیگر آن را به معنای « افشا کردن و رسوا کردن در بین مردم » دانسته اند. (۳)

در بیان معنای لغوی ، برخی « شَهَر » را به معنای « اشاعه دادن » قلمداد کرده اند. (۴) « الشَّهره » به معنای رسوایی و آشکار شدن عمل آمده است. (۵)

در جایی دیگر معنای لغوی تشهیر ، این گونه تعبیر شده است: تشهیر به معنای ظاهر کردن و نمایاندن شیء به نحو قبیح و زشت در میان مردم و به منظور آگاه شدن آنان (از قباحث شیء) است. (۶)

قابل توجه آنکه ، علمای لغت ، الفاظ دیگری را نیز که در معنا ، مترادف با لفظ تشهیر است ، ذکر کرده اند .

این الفاظ عبارتند از : اشاعه ، اظهار ، اعلام، افشا و مجاهره.

۱. معلوف، لوئیس، المنجد فی اللغة والادب والعلوم ، چاپ پنجم، چاپخانه کاتولیکیه، بیروت، ۱۹۵۶م، ص ۴۰۶.
۲. جر، خلیل، لاروس (المعجم العربی الحديث) ، مکتب لاروس ، پاریس، ۱۹۷۳م، ص ۷۲۵.
۳. فیومی ، احمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی ، چاپ اول، دار الهجرة، قم، ۱۴۰۵ق، ص ۳۲۵.
۴. قلنجی، محمد، معجم لغة الفقهاء، چاپ اول، دار النفائس والنشر، بیروت ۱۴۰۵ق، ص ۱۳۰.
۵. ابن منظور، جمال الدین، لسان العرب ، چاپ سوم، دار الصادر، بیروت، ۱۴۱۴ق، ص ۳۵۶.
۶. فراهیدی، خلیل بن احمد ، العین، چاپ دوم، مشورات الهجرة ، قم ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۹۹.

مفهوم تشهیر در اصطلاح

تشهیر در اصطلاح به معنای ، شهرت دادن و رسوا نمودن شخص است یعنی مجرم را به مردم معرفی و جرم وی را اعلام نموده و او را رسوا نمایند. به عبارت دیگر تشهیر ، اقدام به رسوا کردن مجرم است. تشهیر در اصطلاح به معنای «گسترش و رواج دادن بدی و زشتی عمل کسی بین مردم» نیز آمده است.(۱)

عبدالقادر عوده در کتاب التشریع الجنایی الاسلامی ، در بیان مفهوم اصطلاحی تشهیر می نویسد: « تشهیر ، اعلان مجازات مجرم و ندا دادن به گناه او در برابر مردم است ؛ بالاخص در جرائمی که در آن ها به عنوان امین مردم به مجرم اعتماد می شود ؛ تا او را بشناسند و از او دوری نمایند».(۲)

تشهیر در منابع فقهی

تشهیر (اظهار) به معنای آشکار کردن آمده است. واژه ی تشهیر بر حسب آنچه به آن اضافه می شود مفهوم خاصی پیدا می کند. تشهیر مجرم یعنی گرداندن او در خیابان ها و معرفی او به مردم.(۳)

این مجازات که برای برخی جرایم خاص ، بالاخص جرایمی که مجرم در آنها امین مردم بوده و خیانت کرده، در نظر گرفته شده ،اختصاص به مردان دارد و به اتفاق فقهای شیعه در مورد زنان اجرا نمی شود .(۴)

لذا تشهیر مجرم در مواقع رسوا کردن وی در میان مردم و شناساندن او به مردم است تا علاوه بر تنبیه وی دیگران نیز عبرت بگیرند.

۱. قلعجی، محمد، معجم لغة الفقهاء، چاپ اول، دار النفائس والنشر، بیروت ۱۴۰۵ق، ص ۱۳۰.

۲. عوده ، عبد القادر، التشریع الجنایی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، چاپ دوازدهم، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۷۰۴.

۳. شاهرودی، سید محمود هاشمی و محققان موسسه دار المعارف اسلامی ، ۱۴۲۶، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیه السلام ، موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیه السلام ، قم.

۴. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن ، ۱۴۰۴، جواهر الکلام ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت.

معنای جرم در لغت و اصطلاح

جرم، از ریشه عربی ج ر م، به معانی قطع کردن، چیدن میوه از درخت، حمل کردن، کسب کردن، ارتکاب گناه و وادار کردن به کاری ناپسند به کار رفته است (۱). و مجرم کسی است که از حق بریده و به باطل روی آورده است و بر کار ناپسند خود اصرار می‌ورزد (۲). اصطلاح جرم و مشتقات آن در قرآن کریم به معنی انجام کارهای زشت و ناپسند آمده؛ چنان که در آیه ۱۲ سوره مائده «یجرمنکم» به معنی کارهای زشت و ناپسند استعمال شده است. همچنین در آیه ۳۰ سوره مطففین نیز «جرموا» در مورد کسانی که مرتکب کارهای زشت و گناه می‌شوند وارد شده است. لفظ «مجرمین» در آیه ۴۸ سوره قمر نیز ناظر به اعمال و رفتار زشت کسانی است که در گمراهی به سر می‌برند. با توجه به معانی آیات، جرم در زبان قرآن، عبارت از انجام دادن فعل یا گفتن قولی است که شارع آن را منع کرده و برای آن کیفر قرار داده است. همین معنی را می‌توان از آیاتی که در باب انواع مجازات جرایم مشمول قصاص نفس، قصاص عضو (سوره بقره، آیات ۱۷۸ و ۱۷۹؛ سوره اسراء، آیه ۳۳؛ سوره مائده، آیه ۴۵)، دیه (سوره بقره، آیه ۹۲)، حد زنا (سوره نور، آیه ۲)، حد قذف (همان، آیه ۴)، حد سرقت (سوره مائده، آیه ۳۸)، محاربه (همان، آیه (و بغی (سوره حجرات، آیه ۹) در قرآن کریم وارد شده است، استشهاد نمود.

مفهوم جرم در اصطلاح حقوق

عنصر قانونی جرم بدین معنی است که قانون فعل، یا ترک فعلی را به عنوان جرم، قانون گذاری کرده، و کیفری برای آن معین نموده است.

۱. خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، ج ۶ ص ۱۱۹.

۲. کاشانی، فیض، ۱۳۶۴-۱۳۶۸، ج ۱، ص ۶۹.

تا هنگامی که قانون گذار از کاری منع نکرده است، انجام دادن آن، جرم محسوب نمی شود، و تا هنگامی که وظیفه و کاری را لازم نشمرده باشد، ترک آن جرم نبوده، کیفری نخواهد داشت. زیرا هیچ جرم و مجازاتی جز به تصریح قانون جرم و مجازات نخواهد بود.

دلیل‌هایی، بر ثبوت عنصر قانونی جرم دلالت دارند، از جمله:

۱- «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْساً أَلَا مَا اتَّيَّهَا» (سوره طلاق، آیه ۷) و «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وَسِعَهَا» (سوره ی بقره، آیه ۲۸۶).

بدین معنی که خداوند هیچ کس را به تکلیفی مکلف و ملزم نمی‌کند مگر آنکه حکم و قانون آن را برای او آورده باشد. پس تا وقتی که حکمی از جانب خدای تعالی نیامده است تکلیف نیست، و مادام که تکلیف نیست همه امور بر اصل جواز و اباحه باقی خواهد ماند.

۲- «مَا كُنَّا مَعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولاً» (سوره اسراء، آیه ۱۵).

در این آیه خداوند فرموده است، ما هیچ کس را پیش از برانگیختن پیامبر (ص)، و آوردن قانون به وسیله ی او، کیفر نمی‌کنیم. پس هرگاه پیامبری برانگیخته شد، و قوانینی را از جانب خدا به مردم ابلاغ کرد و فعل یا ترکی را جرم شمرد، در این صورت حجت بر مردم تمام می‌شود و خداوند به استناد آن، مردم را بازخواست می‌کند و در صورت تمرد و ارتکاب جرم، به کیفر می‌رساند. بعثت رسول که در آیه آمده است کنایه است از بیان تکلیف.

۳- حدیث رفع، این حدیث را شیعه و برادران اهل سنت از پیغمبر (ص) نقل کرده‌اند. حدیث این است: «از امت من نه چیز برداشته شده است. شیخ محقق - مرتضی انصاری - فرماید؛ یعنی آثار آن یا مؤاخذه آن برداشته شده است: خطا، فراموشی، آنچه به زور به انجام دادن آن وادار شوند، آنچه نمی‌دانند، آنچه را ناچار و مضطر شوند که انجام دهند، فال بد زدن، حسد و رشک بردن، اندیشیدن در وسوسه کردن مردم، تا هنگامی که بر زبان جاری نساخته اند» پس یکی از این امور نه گانه که مؤاخذه و مسئولیت، در آن از امت یعنی از مکلفان برداشته شده است، حکم چیزهایی است که نمی‌دانند، که در چهارمی از این نه چیز بیان شده است. پس تا هنگامی که به حکمی از احکام جزایی آگاهی و علم نداشته باشند، باید بگویند که شرعاً و قانوناً مکلف به آن حکم نیستند و ذمه آنها نسبت به چنین قانونی مشغول و مسئول نیست، و تکلیفی وجو ندارد، و کیفری نخواهد بود.

بررسی تشهیر در آیات قرآن

در بررسی و امعان نظر در برخی از آیات قرآن کریم، به خوبی به دست می‌آید که هدف اساسی از تشریع کلیه قوانین و احکام اسلامی آن است که مردم به آیین عدل و داد بگروند و از تجاوز و تعدی به حیثیت، جان، مال، ناموس و حقوق دیگران پرهیز کنند. برای تحقق این امر، رعایت اصل عدالت و بسط قسط در جامعه، از وظایف فرستادگان الهی است و به آن امر شده است چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (۱).

به علاوه قرآن کریم در بعضی از آیات، ضمن تشریع احکام مربوط به عبادات و مسائل کیفری، به فلسفه یا مصلحت اطاعت و اجرای آن احکام اشاره کرده است، از جمله درباره‌ی فلسفه کیفر تشهیر و قصاص به منظور صیانت از حیات اجتماعی و جلوگیری از ارتکاب جرم و در نهایت اجرای عدالت کیفری می‌فرماید: «و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الالباب» (۲). از این آیه استفاده می‌شود که فلسفه تشریع مقررات ناظر به قصاص، اعم از قصاص نفس و یا قصاص عضو، در جرایم علیه جسم و جان آدمی علاوه بر فایده‌ی اجتماعی این کیفر، رعایت تساوی و موازنه بین جرم و مجازات بیش از هر چیز یا هدف دیگری برای برقراری عدالت کیفری است تا بدین وسیله زمینه‌های انتقام جویی را از بین برده، از جرم جلوگیری کند و مردم نیز در حیات جمعی در رفاه و آسایش به سر برند، یا در مورد فلسفه تشهیر و اجرای بعضی از دستورات عبادی و انجام تکالیف دینی می‌فرماید که باعث پیشگیری از وقوع جرم و گناه می‌شوند: «و اقم الصلوة ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر» (۳).

«اذن للذین یقاتلون بأنهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدير» (۴) - و مورد بیان حکم روزه در آیه ۱۸۳ سوره‌ی بقره - می‌فرماید: «کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون» نیز قرآن کریم

۱. سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۵.

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۷۹.

۳. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۴۵.

۴. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۳۹.

متذکر می‌شود که فلسفه روزه تسلط بر شهوات و تمایلات نفسانی و پرورش نیروی معنوی و تقوا است که مانع ارتکاب گناه و جرم خواهد شد. و در مورد تشریع احکام زنا و فحشاء می‌فرماید: «و لا تقربوا الزنی انه کان فاحشه و ساء سیلاً» (۱).

تأکید اسلام بر اجرای کیفر حدود و تشهیر درباره‌ی مجرمین به این قبیل جرایم برای ایجاد اخافه و ترس و جنبه‌های بازدارندگی فردی و همگانی مجازات حد است که علاوه بر فایده اجتماعی این مجازات‌ها، باعث جلوگیری از تکرار جرم نیز خواهد شد.

در مورد تعزیرات اسلامی که نوعی نظام مجازات‌های نامعین است و ناظر به کیفرهایی است که اندازه و چگونگی یعنی کم و کیف آن با توجه به شرایط زمان و مکان و خصوصیات شخصیت مجرم، به قاضی کیفری واگذار شده است. هدف اساسی و غایت نظر اسلام در این قبیل کیفرها، تهذیب و اصلاح اخلاقی مجرمین است، و بالاخره در تشریع مجازات‌های دیه اعم از دیه معین یا ارزش جزایی، بیش از هر چیزی جلب رضایت و تشفی خاطر مجنی علیه یا اولیای دم و در درجه دوم، رعایت عدالت کیفری ملحوظ نظر قانون گذار اسلامی بوده است. بدین ترتیب و بنا بر آنچه که گفته شد، هدف اسلام از تدوین قوانین کیفری تشهیر، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح بزهکاران از طریق امر به معروف و نهی از منکر و اجرای سایر دستورات اخلاق مذهبی و اصول دینی است و هدف از اجرای مجازات‌ها، تنها انتقام جویی یا شکنجه و آزار مجرمین و یا مجرد حفظ حقوق و تشفی خاطر مجنی علیه، یا اولیای دم و مانند اینها نیست، بلکه بدون تردید هدف از کیفرهای اسلامی حفظ و حراست جامعه از بدی و مفاسد اجتماعی و جلوگیری از وقوع جرم و اصلاح اخلاقی مجرمین و اجرای عدالت کیفری است. به سخن دیگر، نظام کیفری اسلام در تشریع احکام و مجازات‌ها از یک فلسفه و سیاست کیفری الهام می‌گیرد؛ یعنی هم به فایده اجتماعی مجازات‌ها توجه می‌کند و هم اجرای عدالت کیفری و هم اصلاح و تربیت مجرمین.

۱. سوره اسراء، آیه ۳۲.

۲. ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ چهارم، ۱۳۷۸، صص ۲۳۲-۲۳۵.

خداوند به شما فتوا می‌دهد که مقصود از تعزیر و تشهیر؛ پشتیبانی و یاری رساندن به انبیای اوست. تصدیق فرموده خداوند تعالی: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا، لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَنُعَزِّرُوهُ وَنُقَبِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» (۱) به یقین ما تو را گواه و بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم، تا (شما مردم) به خدا و رسولش ایمان بیاورید و او را یاری کنید و او را بزرگ دارید، و خدا را صبح و شام تسبیح گوئید.

چطور "تعزیر" را حدی جزایی می‌دانی؟ بلکه حدّ جزاء؛ "تشهیر" (رسوا کردن) برای قاتل است که بعد از دار زدنش؛ بدنش دفن شده و سرش پس از نمک زنی در معابر عمومی آویزان می‌شود تا برای رهگذرانی که مردم را با ظلم و دشمنی به قتل می‌رسانند، عبرت شود. این "تشهیر" نامیده می‌شود، نه تعزیر. چون تعزیر؛ پشتیبانی و یاری رساندن است ولی تشهیر؛ یعنی حدّ الهی را درمورد کسانی که ولی دم به خاطر خدا از آنها نگذاشته اجرا کردن و اجرای حکم خدا را در ملاء عام است.

حد سرقت هم همین‌طور؛ حد سرقت؛ ضربه زدن به دست تا ناحیه مچ است؛ یعنی آن قدر بر کف یکی از دستان سارق با تازیانه ضربه زده می‌شود که خون بیاید. مقصود خداوند این نیست که دست دزدها قطع شود؛ بلکه فقط کف دست چپش مجروح گردد و این با تازیانه است تا حدی که از دستش خون بچکد و ما بعد از تمکین و در دست گرفتن حکومت؛ آن را روشن کرده و توضیح می‌دهیم.

و اما کسانی که با راهزنی؛ اموال مسافران را می‌ربایند؛ این غارت از سرقت‌های مخفیانه (دزدی) بزرگ‌تر است چون همراه با آزار دادن شدید فرد مظلومی است که مورد چپاول قرار گرفته است و حکم خداوند در کتاب این است که به دست و پای آنان از جهت مقابل ضربه زده شود. یعنی آن قدر با تازیانه به کف دست زده شود تا خونریزی کند و کف پای مقابل هم همین‌طور. مقصود خداوند این نیست که دست و پای آنان به کل قطع گردد؛ اگر چنین باشد؛ وقتی بار دیگر دزدی کرد؛ چطور می‌خواهید دست دیگر یا پای دیگرش را قطع کنید؟ چطور خود را از نجاست پاک کند؟ چطور وضو بگیرد؟ چگونه بعد از توبه و بازگرداندن اموال مسروقه؛ برای تأمین فرزندانش کار کند؟ هرگز نمی‌توانید بگوئید

مقصود خداوند قطع کردن دست آنان است؛ چون زنان در زمانی که یوسف را دیدند؛ دست‌هایشان را قطع نکردند: «فَلَمَّا رَأَيْتُهُ أَكْبَرْتَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ» (۱) «هنگامی که چشمشان به او افتاد، او را بسیار بزرگ شمردند؛ و دستهای خود را بریده و زخمی کردند».

پس برای تان روشن می‌شود مقصود خداوند زخمی شدن دست‌شان با چاقوست و منظور قطع دست نیست

در هر حال تفصیل بیشتر در مورد حدّ سرقت و راهزنی را به آینده می‌سپاریم؛ چون هریک بر حسب شدت جرم؛ حکم دارند. برخی هستند که قصد راهزنی دارند؛ ولی قبل از این که عملی انجام دهند؛ دستگیر می‌شوند. حکم اینها نفی از زمین است؛ البته منظور تبعید نیست که آنها را به صورت ناشناس به جای دیگری بفرستید که مردمی دیگر را گرفتار کرده و در سرزمین آنها فساد کنند؛ بلکه مقصود خداوند از نفی از زمین این است که از خیابان‌ها دور شده و در چهار دیواری برای مدتی معین، زندانی شوند. این برای بازداشتن او از تکرار عملش است. اما اگر به اعمال خود بازگشت؛ حدّ جزایی اضافه می‌شود؛ مگر حدّ زنا که در صورت رضایت زن و مرد به انجام زنا برای هر دو حد زنا؛ هربار به طور مساوی صد ضربه تازیانه است؛ مگر کسانی که راهزن بوده و به زور به زنان تجاوز می‌کنند؛ که در این صورت حدّ آنها دویست ضربه تازیانه به دست و پای مخالف است؛ صد ضربه به کف دست چپ و صد ضربه به کف پای راست؛ چون از زنی که مورد تجاوز قرار گرفته حدّ زنا برداشته شده و به مجازات متجاوز اضافه می‌گردد*؛ مگر کسی که به کودکی تجاوز کند و منجر به مرگ کودک شود که در اینجا حدّ متجاوز دار زدن و جدا کردن سر او از بدن و آویختن سر او در معابر عمومی (التشهیر) است تا مایه عبرت و هشدار باشد. ما هم هنوز تفصیل زیادی در مورد حدود الهی برای مفسدین فی الأرض با هدف جلوگیری از ظلم انسان به برادر انسانش داریم.

سابقه ی فقهی تشهیر

انتشار اسامی مفسدان اقتصادی یا «تشهیر مفسدان» برای اولین بار از سال ۸۵ وارد قوانین موضوعه ایران شد؛ اگرچه موضوع گرداندن و مشهور کردن مفسدان سابقه طولانی در فقه اسلامی دارد و حتی در مواردی مانند شهادت دروغ، سرقت و محاربه، «تشهیر» به عنوان یکی از مجازات‌های این جرایم در نظر گرفته شده است اما در قوانین موضوعه کمتر به این مساله پرداخته شده بود. تا اینکه با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۹۲، انتشار اسامی مفسدان به عنوان یک مجازات اصلی یا تکمیلی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفت.

در فقه اسلامی برای شش جرم مهم مجازات تشهیر و انتشار اسامی مفسدان پیش بینی شده است:

جرم اول: در شهادت کذب است. شهادت کذب و دروغ، بار حقوقی و مسئولیتی برای شاهد دارد. آنگونه که شهید ثانی در لمعه آورده است: اگر شهادی برای قصاص نفس یا قصاص عضو یا دعوای مالی شهادت دهد و سپس از شهادتش رجوع کند یا مشخص شود که شهادتش دروغ بوده، علاوه بر اینکه حکمی که بر مبنای این شهادت داده شده، نقض می‌شود بلکه شاهد کذاب، هم تعزیز می‌شود و هم تشهیر! دلیل چنین حکمی هم برای این است که شاهد دروغگو باید شناخته شود تا دیگر به شهادت او اکتفا نکنند.

جرم دوم: در خصوص جرایم مالی مانند اختلاس و کلاهبرداری و حیف و میل اموال عمومی است که در این مورد علاوه بر رد مال، مجرم تشهیر نیز می‌شود. هنگامی که امیرمومنان حضرت علی علیه السلام از خیانت ابن هرمة (مأمور بازار اهواز) اطلاع پیدا کرد، به رفاعه (حاکم اهواز) نوشت: وقتی که نامه ام به دست رسید، فوراً ابن هرمة را از مسئولیت بازار عزل کن، به خاطر حقوق مردم، او را زندانی کن و همه را از این کار با خبر نما تا اگر شکایتی دارند، بگویند. این حکم را به همه کارمندان زیر دست، گزارش کن تا نظر مرا بدانند.

جرم سوم: اجرای حد قذف است، یعنی وقتی مجرم یا مجرمان حریمی را می‌شکنند و تهمت زنا و لواط را به دروغ به مومنی نسبت می‌دهند، حکم آنها باید منتشر شود تا هم از مومنی که آبرویش رو برده‌اند، اعاده حیثیت شود و هم اینگونه مجازات سختی در انتظار قذف‌کنندگان باشد.

جرم چهارم و پنجم: جرم سرقت مشمول حد و محاربه هم جرایم بعدی هستند که در متون فقهی، به مجازات تشهیر عاملان آن اشاره شده است تا بدینوسیله از وقوع جرایم بعدی پیشگیری شود.

جرم ششم: آخرین جرمی که در فقه در خصوص آن به تشهیر اشاره شده است، جرم قوادی (رساندن دو نفر برای زنا یا لواط) است تا مردم بدانند که چنین فردی از چه راهی کسب درآمد داشته تا از او روی گردان شوند. این شش جرم، از جمله مواردی است که در فقه اسلامی و در طول تاریخ، به مجازات تشهیر در آن اشاره شده است. اما علاوه بر فقه، تشهیر چه جایگاهی در قوانین جزایی دارد؟ (۱)

سابقه تقنینی تشهیر

علاوه بر تاکید فقهی به «تشهیر» یا «انتشار اسامی برخی مجرمان و مفسدان»، انتشار اسامی مفسدان اقتصادی با اصلاح قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و الحاق تبصره ۳ به ماده ۱۸۸ این قانون (الحاقی ۱۳۸۵) برای اولین بار به نظام قضایی ایران راه پیدا کرد. در این ماده آمده بود که «در موارد محکومیت قطعی به جرم ارتکاب اختلاس، ارتشا، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اخلال در نظام اقتصادی کشور، سوءاستفاده از اختیارات به منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرایم گمرکی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به طور کلی جرم علیه حقوق مالی دولت، به دستور دادگاه صادرکننده رأی قطعی خلاصه متن حکم شامل مشخصات فرد، سمت یا عنوان، جرایم ارتكابی و نوع و میزان مجازات محکوم علیه به هزینه‌وی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و عنداللزوم یکی از روزنامه‌های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه‌های عمومی گذاشته می‌شود. مشروط به آن که ارزش عواید حاصل از جرم ارتكابی ۱۰۰ میلیون ریال یا بیشتر از آن باشد».

اگرچه پیش‌بینی چنین تاسیسی در قانون، یک گام رو به جلو برای معرفی مفسدان اقتصادی به جامعه بود اما این تبصره قانونی دارای دو اشکال بزرگ بود، اول اینکه «تشهیر و انتشار» را تنها برای مفسدان اقتصادی پیش‌بینی کرده بود و ردی از سایر جرایمی که در فقه به آن اشاره شد، وجود داشت و دوم اینکه، تشهیر به عنوان یک مجازات برای مجرم،

۱. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۰۰)، القواعد و الفوائد، کتابفروشی مفید، تهران.

در قوانین ماهوی جزایی ذکر نشده بود و در یک قانون شکلی به عنوان تکلیفی برای قاضی آمده بود و از این رو اجرای آن با اما و اگرهای بسیاری روبرو بود. این اشکالات وجود داشت تا اینکه با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی، قانون‌گذار سعی در جبران آن کرد.

تشهیر در قانون جدید

با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۹۲، قانون‌گذار سعی کرد تا اشکالات گفته شده بر مقررہ قبلی را رفع کند و از این رو، در ماده ۳۶ قانون جدید، موضوع انتشار اسامی مفسدان را به طور صریح و روشن به عنوان یکی از مجازات های قانونی ذکر کرد. بر اساس این ماده، حکم قطعی مجازات در جرایم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار (حبس بیش از ۵ سال و جزای نقدی بیش از ۱۸۰ میلیون ریال) باید یک نوبت منتشر شود.

در صدر ماده و تبصره ماده هم در خصوص جرم کلاهبرداری و بخشی از جرایم مهم اقتصادی نظیر رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، تبانی در معاملات دولتی، أخذ پورسانت در معاملات خارجی، تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، جرائم گمرکی، قاچاق کالا و ارز، جرائم مالیاتی، پولشویی، اخلال در نظام اقتصادی کشور و تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی قانونگذار مقرر کرده است که اگر عواید حاصل از جرم بیش از یک میلیارد ریال (۱۰۰ میلیون تومان) باشد، حکم مجرم در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شود.

نکته مهمی که در قانون قدیم وجود داشت این بود که بر اساس قانون، انتشار اسامی متهمان به فساد تا پیش از صدور حکم قطعی محکومیت ممنوع بود و اگر کسی اقدام به انتشار اسم، سمت یا عنوان متهمان پیش از صدور حکم قطعی می‌کرد به عنوان «افترا» قابل تعقیب و مجازات بود. این نقیصه قانونی باعث شده بود، با وجود مشهور بودن برخی متهمان، رسانه‌ها مجبور باشند تا از علامت‌های اختصاری مانند «م.خ»، «ب.ز» و «م.ه» برای معرفی متهمان پرونده‌های مهم استفاده کنند.

این مشکلات باعث شد تا قانون‌گذار در تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری، ضمن تاکید بر محرمانه بودن اسامی متهم و پیشگیری از انتشار اسامی متهمان قبل از قطعی شدن

حکم، در برخی موارد اجازه انتشار اسامی را در هنگام محاکمه صادر کند. بر اساس تبصره ۲ ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی از قبیل خدشه دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه، ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رییس قوه قضاییه امکان پذیر است.»

تشهیر به عنوان مجازات تکمیلی

علاوه بر اینکه قانونگذار در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، انتشار اسامی مفسدان و مجرمان را به عنوان یک مجازات اصلی برشمرده است، در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، به قاضی اجازه داده است تا در جرایم مستوجب حد و قصاص و جرایم مستوجب مجازات‌های درجه شش تا درجه یک، علاوه بر مجازات‌های اصلی، متهم را به یک یا چند مجازات تکمیلی هم محکوم کند.

مجازات‌های تکمیلی علاوه بر اینکه مجازات محسوب می‌شوند، به عنوان یک اقدام تأمینی در پیشگیری از وقوع جرایم بعدی توسط مجرم نیز می‌توانند موثر باشند. یکی از این مجازات‌های تکمیلی، انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها است. در واقع علاوه بر اینکه، در برخی جرایم اقتصادی با عواید بیش از ۱۰۰ میلیون تومان، قاضی مکلف به انتشار حکم محکومیت متهم است، در خصوص سایر جرایم با مجازات درجه شش تا درجه یک نیز می‌تواند به عنوان تکمیل مجازات اصلی، متهم را به انتشار حکم در رسانه‌ها نیز محکوم کند.

مجازات تشهیر حد است یا تعزیر؟

شهید اول در «قواعد و فواید» می‌فرماید:

تشهیر جزو تعزیرات است چرا که :

۱. نمی‌توان بر آن میزان دقیقی در نظر گرفت.
۲. در نصوص فقهی، در جرائمی که مجازات آنها تشهیر است، آزاد یا بنده بودن مجرم مطرح نشده است.
۳. میزان آن با توجه به میزان مفسده جرم تغییر می‌کند. گاهی به همراه استخفاف است و گاهی فقط صرف شناساندن مجرم.

۴. یکی از مواردی که مجازاتش تشهیر است، افلاس است، که از نظر شرعی گناه محسوب نمی شود.

۵. حاکم شرع در انتخاب مجازات تشهیر یا جایگزینی آن با دیگر مجازات های تعزیری بنا بر مصلحت مجرم و جامعه مخیر است.

۶. اجرای مجازات تشهیر در زن و مرد متفاوت است.

۷. جرایمی که مستوجب این مجازات است برخی حق الناس هستند مانند کلابرداری، فقهای عظام در این باره متفق القول اند که تشهیر جزو تعزیرات است که از باب تادیب مجرم و برای جلوگیری از تکرار جرم، به وسیله ی حاکم شرع برای جرم های خاص اجرا می شود.

اقوال فقها در مورد حکم تشهیر

در این قسمت، نظرات فقهای عظام در مورد حکم تشهیر محتال (کلاهبرداری) را مورد بررسی قرار می دهیم:

مشهور فقها تشهیر محتال را شایسته یا ضروری می دانند شیخ طوسی می گوید: واجب است کلاهبردار مجازات وتادیب شود و مالی را که گرفته غرامت دهد، شایسته است حاکم او را به عقوبت آن چه انجام داده، تشهیر کند، تا دیگران در آینده از انجام این عمل خودداری کنند.(۱)

از دیگر فقهای موافق با تشهیر محتال می توان به: شیخ مفید در «المقنعه»، علامه در «تحریر الاحکام» (۲) و ابن ادریس در «سرائر» (۳) اشاره کرد.

۱. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، ۱۴۰۷، تحریر الاحکام، دار الکتب الاسلامیه، تهران،

۲. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ارشاد الازدهان، انتشارات اسلامی قم،

۳. حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، ۱۴۱۰، السرائر، انتشارات اسلامی قم، ج ۳، ص ۵۱۲.

در توضیح کیفیت تشهیر محتال، نکته ی خاصی در کتب فقهی ذکر نگردیده است عموماً به ذکر این نکته که تشهیر آن جهت شناساندن به مردم است و این که باید در سرزمین و اطرافش یا در قبیله و بازار شناسانده شود اکتفا نموده اند.^(۱)

به نظر می رسد، در این زمینه باید به فلسفه اجرای تشهیر رجوع کرد. همانطور که برای جرمی مانند قیادت یا شهادت کذب که فلسفه اجرایی تشهیر برای فاعل آنها، عبرت گرفت دیگران و تنبیه و تادیب شخص قواد یا شاهد کذب است، گرداندن در کوی و برزن و ندا دادن علیه مجرم شرط است. در واقع، اگر چه تشهیر توأم با استخفاف است؛ ولیکن در مورد محتال و مفلس که تشهیرشان فقط برای شناساندن او به مردم است، استخفاف مجرم شرط نیست، شاید فقط صرف معرفی او به مردم حتی بدون گرداندنش در جمع، برای تشهیر کفایت کند.

فلسفه تشهیر محتال

تشهیر محتال به این سبب است که:

۱. مردم از او برحذر باشند.
۲. شخص محتال تخفیف شده و در آینده جرمش را تکرار نکند.
۳. برای دیگران عبرتی شود تا از این جرم اجتناب کنند.^(۲)

۱. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، ۱۴۰۷، تحریر الاحکام، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ص ۷۲۲. - حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، ۱۴۱۰، السرائر، انتشارات اسلامی قم، ج ۳، ص ۵۱۲. - کیدری، قطب الدین، محمد بن حسین، ۱۴۱۶، اصباح الشیعه بمصباح الشریعه، موسسه امام صادق، قم، ص ۲۹۵. - سبزواری، علی مومن قمی، ۱۴۲۱، جامع الخلاف والوفاق، زمینه سازان ظهور امام عصر (ع)، قم، ص ۳۰۶.

۲. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، ۱۴۱۷، الدروس الشرعیه، انتشارات اسلامی، قم.

نظر مصباح یزدی در کتاب رستگاران در مورد تشهیر:

انسان به طور طبیعی علاقه دارد که آبرومند و دارای عزت و احترام باشد روان‌شناسان می‌گویند یکی از مهم‌ترین غرایز در آدمی همین غریزه «صیانت از شخصیت» و حفظ احترام است. از این رو این که ما دوست داشته باشیم دیگران برایمان ارزش و احترام قائل شوند، به هیچ وجه امری خلاف قاعده و انتظار نیست. اکنون تصور کنید اگر بنا باشد این انسان بی‌آبرو شود و شخصیت و احترام و عزتش از بین برود، چه حالی به او دست خواهد داد؟ این مسأله در مورد مجازات «تشهیر» بسیار خوب قابل تصور است.

یکی از مجازات‌هایی که در احکام اسلامی نیز وارد شده همین مجازات تشهیر است. تشهیر به این معنا است که مجرم را با وضعیتی ذلت‌بار در کوچه و خیابان می‌گردانند تا همه مردم او را بشناسند و به بدنامی مشهور شود. این کار مایه عبرتی برای دیگران می‌شود تا مرتکب چنین کارهایی نشوند.

اکنون خوب است انسان گاهی بنشیند و با خود فکر کند که چه آبروریزی و افتضاحی برایش پیش می‌آمد اگر بنا باشد روزی این بلا بر سر او بیاید و، برای مثال، افساری بر گردنش بیندازند و در میان مردم در کوچه و خیابان بگردانند!

قرآن می‌فرماید این بلایی است که در روز قیامت بر سر عده‌ای خواهد آمد:

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ * وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهٗ * يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَهٗ * مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهٗ * هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهٗ * خُدُوْهُ فَعَلُوْهُ * ثُمَّ الْجَحِيْمَ صَلُوْهُ * ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوْهُ

و اما کسی که نامه عملش به دست چپش داده شود، گوید: ای کاش کتابم را دریافت نکرده بودم و از حساب خود خبردار نشده بودم. ای کاش آن (مرگ) کار را تمام می‌کرد. مال من مرا سودی نبخشید. قدرت من از (کف) من برفت. (گفته شود:) بگیرد او را و در غل کشید، آن‌گاه میان آتشش اندازید. پس در زنجیری که درازی آن هفتاد گز است وی را در بند کشید کسی که عمری در میان مردم با عزت و احترام نماز جماعت می‌خواند و موعظه می‌کرد، ممکن است در آن روز در پیش چشم خلق اولین و آخرین او را در غل و زنجیر کنند و به طرف جهنم بکشانند.(۱)

تشهیر نوعی اقدام تأمینی و تربیتی در پیشگیری از جرم

اقدامات تأمینی و تربیتی در واقع شبیه تدابیری است که والدین جهت اصلاح و تربیت فرزندان خود و پیشگیری از این که اولاد آن‌ها در آینده خلافکار و منحرف شوند، اتخاذ می‌کنند که ماهیت اصلی این تدابیر جنبه ی اصلاح و تربیت داشته و از انگیزه‌ی انتقام جویی و مجازات به دور است، یا شبیه اقداماتی است که پزشکان متخصص یک بیمارستان جهت معالجه و بهبودی مریض‌ها به کار می‌بندند (۱).

در ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ تصریح شده است: «صدور حکم اقدام تأمینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده باشد». اصولاً اقدامات تأمینی را به عنوان «تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنبه و جنایت) درباره‌ی مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند» معرفی نموده است و به عبارتی دیگر، این قانون به مجرم خطرناک توجه کرده نه حالت خطرناک، ازاین رو تدابیر مذکور را به عنوان «اقدامی پس از ارتکاب جرم» در نظر گرفته که فقط ناظر به پیشگیری از «تکرار جرم» است نه «وقوع ابتدایی جرم». در اقدامات تأمینی و تربیتی، پیشگیری از وقوع جرایم یا تکرار آن‌ها به سه طریق زیر ممکن است صورت گیرد که اجمالاً به بیان هر یک می‌پردازیم:

الف - پیشگیری از طریق اصلاح و تربیت

یکی از مناسب‌ترین شیوه‌هایی که در اقدامات تأمینی و تربیتی برای جلوگیری از وقوع جرایم و تکرار آن‌ها پیش بینی شده است، شیوه‌ی اصلاح و بازپروری افرادی است که دارای حالت خطرناک (۲) می‌باشند چرا که تا زمانی که این حالت در شخصی وجود داشته باشد، احتمال ارتکاب جرم از طرف او وجود دارد. بنابراین تربیت و بازپروری روحی چنین فردی، تنها طریق پیشگیری از ارتکاب جرم توسط اوست. مراکز هم‌چون قانون اصلاح و تربیت، برای اطفال بزهکار، با تنظیم برنامه‌های تربیتی و بازآموزی و فراهم ساختن محیط مناسب جهت تحصیل و تربیت نوجوانان می‌تواند اهداف قانون گذار را در وضع قوانین مربوط به پیشگیری از وقوع جرایم فراهم سازد. (مواد ۲۲ و ۲۳ قانون تشکیل دادگاه

۱. کی نیا، سید مهدی، علوم جنایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶، ص ۱۶۵۲ به بعد.

۲. رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد، فتح العزیز شرح الوجیز، بیروت، دارالفکر، بی تا.

اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ و مواد ۲ و ۳ لایحه‌ی قانونی اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ و ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰) هم چنین اخذ تعهد از اولیای اطفال بزهکار مبنی بر تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل (بند اول ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار) نیز در زمره روش‌های مفید در این زمینه است.

در مورد اشخاصی که به لحاظ ولگردی و تکدی خطرناک تشخیص داده می‌شوند و مجرمین به عادت هم، ایجاد کارگاه‌های کشاورزی و صنعتی و غیره و آموزش شغل مناسب، به تدریج زمینه تنبلی و عاطل و باطل ماندن و زندگی طفیلی داشتن را از بین برده و شخص را برای یک زندگی شرافتمندانه و تأمین معاش از طریق کسب و کار مفید آماده می‌سازد. البته اصل قانونی بودن اقدامات تأمینی و عدم امکان اعمال این تدابیر قبل از وقوع جرم، مانع می‌شود که روش‌های اصلاحی و بازپروری مذکور در قوانین یاد شده را در مورد کسانی که دارای حالت خطرناک بوده اما هنوز جرمی مرتکب نشده اند اعمال نمود. با این که اصلاح و تربیت اشخاص مستعد برای ارتکاب جرم، اختصاصی به «مجرمین خطرناک» ندارد، اما به عنوان اقدام تأمینی و با ابزارهای قانونی آن، فقط همین دسته از دارندگان «حالت خطرناک» قابل اصلاح و تربیت و بازپروری است (صانعی، ۱۳۷۱).

ب - پیشگیری از طریق معالجه و درمان

روش دیگر پیشگیری از تکرار جرم توسط مجرمین خطرناک، معالجه و درمان آن‌ها است. با عنایت به این که یکی از مؤلفه‌های حالت خطرناک، وجود امراض روحی و روانی و بعضاً جسمانی است، از جمله در مورد مجانین و افراد مختل المشاعر که به علت نداشتن قوه تمیز و عدم کنترل اعمال و رفتار خود مرتکب جرم شده‌اند، هم چنین معتادین به مواد مخدر و الکل که به دلیل اعتیاد، پس از اجرای مجازات هم به احتمال زیاد به مصرف این مواد روی خواهند آورد، باید به معالجه و درمان روانی و جسمانی آن‌ها اقدام کرد و تا زمان بهبودی کامل روانی در مجانین و افراد مختل المشاعر و ترک اعتیاد در مورد معتادین به استعمال مواد مخدر و مشروبات، الکی رها ساختن آن‌ها به مصلحت اجتماع نبوده و زمینه وقوع جرایم بعدی را فراهم خواهد ساخت (۲).

۱. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۱، صص ۱۸۹ و ۲۹۷ و ۳۰۵.

۲. رهامی، دکتر محسن، اقدامات تأمینی و تربیتی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۱۰.

به هر حال، معالجه و درمان افراد روانی که مرتکب جرم گردیده‌اند مناسب‌ترین اقدام تأمینی در جهت پیشگیری از وقوع جرایم بعدی است، البته اگر شخص مذکور غیر قابل معالجه باشد در این صورت با نگهداری او در محل مناسب (بیمارستان مخصوص) می‌توان جامعه را از خطرات ناشی از «حالت خطرناک» وی مصون نگه داشت.

ج - پیشگیری از طریق خنثی سازی و نظارت

طریقه‌ی سوم پیشگیری از تکرار جرایم در اقدامات تأمینی، خنثی کردن زمینه‌ی وقوع جرم و یا نظارت است. در بعضی موارد، صرف وجود یک شخص در یک محل یا شهر به دلایل مختلف خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و...، زمینه تکرار جرم را فراهم می‌سازد، در این صورت باید برای پیشگیری از تکرار جرم وی را ممنوع از اقامت در آن محل یا شهر نمود. افرادی که حالت سردستگی چند نفر را در ارتکاب جرایم دارند و به دلیل نفوذ اجتماعی، سیاسی و ... اشخاص دیگر تحت تأثیر وی در ارتکاب جرایم قرار می‌گیرند و با تشویق و تحریک مردم، بدون این که خود مستقیماً وارد صحنه جرم شوند، زمینه ارتکاب جرم را از ناحیه‌ی دیگران فراهم می‌سازند، به صرف مجازات، مثلاً زندان یا شلاق و جریمه مالی، نه تنها ممکن است از اعمال خود دست بر ندارند، بلکه چه بسا، اعمال مجازات موجب جری‌تر شدن آن‌ها نیز گردد. در این صورت جدا ساختن آن‌ها از سایرین و مجبور ساختن به اقامت در منطقه دور دست راه مناسبی جهت ایجاد نظم و آرامش و جلوگیری از تکرار جرم است. مسئله تبعید مجرمین و خصوصاً افراد صاحب نفوذ و رؤسای قبایل و بزرگان فامیل از قدیم الایام مورد توجه بوده و در حقوق کیفری فرانسه با عنوان «رولگاسیون» مدت‌ها به صورت تبعید به جزایر دوردست، مورد عمل واقع شده است. بستن محل، اخذ پروانه، نگهداری مجانین و افراد مختل المشاعر در تیمارستان، اخراج افراد خارجی، ضبط اشیای خطرناک، محروم کردن از حق قیومیت و نظارت، محرومیت از بعضی از حقوق اجتماعی مانند نمایندگی مجلس و وکالت دادگستری، از مصادیق بارز اقدامات تأمینی است که از طریق خنثی سازی، از تکرار جرایم بعدی جلوگیری می‌کند (ماده ۱۲ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹؛ مواد ۱۷، ۱۹ و ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی).

نظارت بر اعمال و رفتار مجرم خطرناک نیز طریق دیگری است در جلوگیری از تکرار جرم که در اقدامات تأمینی و تربیتی می‌توان مصادیقی از آن را پیدا نمود (۱)؛ از قبیل آن چه در ماده ۶ لایحه قانونی اقدامات تأمینی آمده است:

۱. سمیر، عالی، اصول قانون العقوبات، (القسم العام)، لبنان، المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۴۱۶/۱۹۹۶، ص ۴۵۰.

«دادگاه حق دارد در موقع صدور حکم آزادی مشروط بعضی تضییقات و یا کار در نزد کارفرمای معینی و غیره برای او قائل شود.» یا آن چه در بند ۶ ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: «معرفی خود در مدت های معین به شخص یا مقامی که دادستان تعیین می کند». هم چنین انتشار حکم در واقع موجب نوعی نظارت عمومی بر افعال و رفتار محکوم علیه خواهد بود، و در عین حال سبب می شود مردم از تماس با چنین مجرمی خوداری کنند (۱).

تشهیر در قانون مجازات اسلامی

مجازات تشهیر از جمله مجازاتهای پذیرفته شده در قانون اسلامی (مصوب ۱/۲/۱۳۹۲) می باشد. در این قانون مجازات تشهیر در قالب مجازات اصلی و تکمیلی به صورت الزامی و اختیاری هم برای اشخاص حقیقی و هم برای اشخاص حقوقی مورد شناسایی قرار گرفته است.

۱. رهامی، دکتر محسن، اقدامات تأمینی و تربیتی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۱۰۵-۱۱۲.

نتیجه

یکی از مسائلی که مکرراً در فقه اسلامی به آن اشاره شده است، حرمت آبروی مومن است که آن را با حرمت خون مومن قیاس نموده اند. از آنجا که مجازات تشهیر یک استثنا بر اصل حرمت آبروی مومن و اصل کرامت ذاتی انسان است لذا شرع مقدس آن را برای جرم های خاص و به طور محدود وضع نموده است. بنابراین به نظر می رسد جایز نیست تا این مجازات را بدون مجوز شرعی یا حکم ثانویه ی حاکم شرع به سایر جرایم نیز تعمیم دهیم. لذا به نظر می رسد، در مورد جرایم نو ظهوری که ماهیت آنها مشابه جرایم دارای عقوبت تشهیر است و فقط در نامگذاری با آنها متفاوتند کیفر تشهیر قابل اجراست مثلاً در مبارزه با مفسدان اقتصادی که شباهت و تطبیق فراوانی با جرم احتیال (کلاهبرداری) دارد با تنقیح مناط و وحدت ملاک می توانیم حکم به اجرای تشهیر دهیم. با این حال، استفاده ی بی رویه و نابجا از این مجازات علاوه بر اینکه مخالف اصل حرمت آبروی مسلمان و اصل کرامت انسانی است و پشتوانه ی شرعی متقن ندارد؛ در درازا مدت اثر تربیتی آن را نیز کاهش می دهد قبح آن را در دیدگاه مجرمان و مردم به عنوان ناظر کم می کند در نتیجه به فلسفه ی اصلی این مجازات که جلوگیری از تکرار جرم و عبرت گرفتن سایرین است. لطمه وارد می کند. در نظام حقوقی ایران نیز، همان طور که بیان شده، اصل بر حرمت حیثیت و آبروی افراد و حتی مجرمین است و تعرض به حیثیت اشخاص در غیر مواردی که قانون تشخیص می نماید، جایز نمی باشد. از جمله مواردی که قانون گذار به نوعی تعرض به حیثیت افراد را مجاز دانسته، مجازات تشهیر است که در قوانین کیفری متعددی از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری موارد اجرای آن را مشخص نموده است. در این قوانین، اغلب کیفر تشهیر به عنوان یک مجازات تعزیری اعم از اصلی یا تکمیلی " در قالب اعلام و انتشار حکم محکومیت در رسانه ها" مورد توجه قرار گرفته است.

در این قوانین، قانون گذار موارد اجرای کیفر تشهیر را به فراتر از آنچه در فقه در خصوص شاهد زور، قاذف، قواد، محتال، و مفلس به کار میرود گسترش داده و در بسیاری از جرایم تعزیری به ویژه جرایم اقتصادی از کیفر تشهیر بهره گرفته است. امید آنکه مسوولین و دست اندرکاران دستگاه قضا، با وسواس دقت و به دور از شتاب زدگی، تنها در موارد ضروری و با

نگاهی به نصوص فقهی موجود در این زمینه ، این مجازات را اعمال نمایند تا جامعه از تبعات منفی اجرای بی رویه ی تشهیر مصون بماند و هر چه بیشتر از آثار تربیتی آن بهره مند گردد. همچنین در خصوص استفاده از رسانه های نوین برای مجازات تشهیر ، ظاهراً راهکاری منطقی و کارآمد وسازگار با فلسفه ی تشهیر است. زیرا آنچه در تشهیر حائز اهمیت است ، شناساندن مجرم به مردم جهت تحذیر از وی و در برخی موارد استخفاف مجرم و عبرت گیری دیگران است که استفاده از رسانه های نوین مانند تلویزیون ، اینترنت و... منافاتی با این امور ندارد. بلکه شاید بتوان گفت در برخی مناطق مانند کلان شهرها استفاده از این رسانه ها برای تشهیر ضروری می باشد. مواد قانونی نیز مجازات تشهیر را تحت عنوان " انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در رسانه ها" مطرح کرده اند که این خود نشان از تایید قانونی تشهیر رسانه ای است. هر چند شاید بتوان گفت با توجه به نصوص موجود ، در شهرهای کوچک و روستاهایی که هنوز امکان تشهیر باگرداندن در کوی و برزن ممکن است، استفاده از روش سنتی الویت دارد . اگرچه این دو روش در کنار هم وبا توجه به ایجاب محیط ومنطقه قابل استفاده می باشند وتایید یک روش مانع از صحه گذاشتن بر دیگری نمی باشد.

exploitation of Islamic criminal policy towards economic crimes**Maryam Latifi Benmaran, Assadollah Pazkian****Abstract**

Tashir is one of the types of ta'zir punishments which, according to many jurists, is the main punishment for the crime of martyrdom by force, and according to the well-known jurists, it also applies to qazif, qawad, swindler and the bankrupt. There are differences of opinion among jurists about the philosophy, cases and quality of performing tashahhir. Article ۱۹ of the Islamic Penal Code recognizes expropriation as one of the modifications, and Article ۳۰۳ of the Code of Criminal Procedure specifies its implementation. Today, two important questions arise in this regard: First, is it possible to use the punishment of expropriation in addition to the crimes mentioned in the jurisprudential texts, by using the unity of criteria and refuting the rules for other crimes, including emerging crimes? Secondly, despite the expansion of societies and the advancement of technology and the emergence of mass media such as television, newspapers, the Internet, etc., should the punishment of defamation still be carried out in its former form and with the expulsion of the perpetrator in public, or can it be Did he use these media to expose the perpetrator? This article has tried to answer the above questions based on a descriptive analytical method, following the study and thematics of espionage in jurisprudence and the expression of cases, philosophy and quality of the practice of narration, expression of the views of great jurists and the place of narration in the Iranian legal system and legal materials in this field. .

Keywords: Discrimination, Punishment of Discrimination, Economic Crimes, Political Crime.

فهرست منابع

قران مجيد.

۱. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدين، محمد بن مكرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، دار الفكر للطباعة، بيروت.
۲. ابن فارس، ابولحسن، احمد بن فارس زكريا، ۱۴۰۴، معجم مقائيس اللغة، دفتر تبليغات حوزه علميه، قم.
۳. اصفهاني، حسين بن محمد راغب، ۱۴۱۲، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم، سوريه.
۴. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عكبري، ۱۴۱۳، المقنع، كنگره جهاني هزاره شيخ مفید، قم.
۵. جوهری، اسماعيل بن حماد، ۱۴۱۰، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربيه، دار العلم للملايين، بيروت.
۶. حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، ۱۴۱۰، السرائر، انتشارات اسلامي، قم.
۷. حلی، علامه، حسن بن يوسف اسدي، ۱۴۲۰، تحرير الأحكام الشرعيه، مؤسسه امام صادق(ع)، قم.
۸. خمینی، سيد روح الله موسوی، بی تا، تحرير الوسیله، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم.
۹. خویی، سيد ابو القاسم موسوی، ۱۴۲۲، مبانی تكملة المنهاج، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخویی، قم.
۱۰. سبزواری، علی مؤمن قمی، ۱۴۲۱، جامع الخلاف و الوفاق، زمینه سازان ظهور امام عصر(ع)، قم.
۱۱. شاهرودی، سيد محمود هاشمی و محققان مؤسسه دایره المعارف اسلامي، ۱۴۲۶، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت عليهم السلام، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بیت عليهم السلام، قم.
۱۲. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، ۱۴۰۷، تهذيب الأحكام، دار الكتب الإسلامية، تهران.
۱۳. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، ۱۴۰۰، القواعد و الفوائد، کتابفروشی مفید، تهران.
۱۴. فراهیدی، خليل بن احمد، ۱۴۱۰، کتاب العين، نشر هجرت، قم.

۱۵. کیدری، قطب الدین، محمد بن حسین، ۱۴۱۶، إصباح الشیعه بمصباح الشریعه، مؤسسه امام صادق، قم.
۱۶. نجفی، صاحب الجواهر، محمدحسن، ۱۴۰۴، جواهر الکلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۱۷. رهامی، دکتر محسن، اقدامات تأمینی و تربیتی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۸. سمیر، عالی، اصول قانون العقوبات، (القسم العام)، لبنان، المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزيع، ۱۴۱۶/۱۹۹۶.
۱۹. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۱.
۲۰. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، بی جا، قانون انتشارات محمدی، چاپ سوم، ۱۳۶۳.
۲۱. کی نیا، سید مهدی، علوم جنایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
۲۲. ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای عمومی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.
۲۳. محمد تقی مصباح یزدی، رستگاران، ج ۱، ص ۲۳۰.
۲۴. رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد، فتح العزیز شرح الوجیز، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۲۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

